



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان
مدرسه علمیه حضرت زهراى اطهر عليها السلام
شهرستان مشهد مقدس

عنوان مقاله

نقش توحید ربوبی در خودسازی انسان

استاد داور

استاد راهنما

سرکار خانم نسرین هژبری

محقق

سیده زهرا حسینی هفت آسیا

تابستان ۱۳۹۸

A decorative calligraphic element in black ink. It features stylized Arabic script, possibly 'Bismillah' (In the name of Allah, the Most Gracious, the Most Merciful), written in a highly ornate, flowing style. The script is accompanied by several geometric shapes, including squares and diamonds, which are integrated into the overall design. The background is white.

پیشروان اسلام

چکیده

در میان تعالیم اسلامی توحید از جایگاه بلندی برخوردار است؛ چرا که مهم‌ترین عامل خودسازی است. قرآن و معصومین علیهم‌السلام در موارد بسیاری به مسأله توحید و ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند. یکی از ابعاد توحید، توحید افعالی بوده که نشان دهنده این است که خداوند در انجام هر فعلی مستقل و یگانه است. ربوبیت الهی به عنوان یکی از ابعاد توحید افعالی، به معنای مدیریت و تدبیر کردن در گستره تکوین و تشریع می‌باشد. همچنین خودسازی از جمله مسائل زیربنایی است که فراوان مورد تأکید اسلام قرار گرفته و این موضوع دارای نقش محوری در رسیدن به مراتب عالی انسانی دارد که همان تقرب به خداوند است. این نگاره، به برخی آثار اخلاقی و عملی اعتقاد به توحید ربوبی در زندگی انسان که با خودسازی انسان ارتباط مستقیم دارد، پرداخته است.

واژگان کلیدی

توحید، ربوبیت، ولایت، توکل، خودسازی

مقدمه

ویژگی مهم آیین اسلام، واقع‌گرایی آن است که همچون روح جاودانه در کالبد جهان‌بینی آن دمیده شده است. تا آنجا که آدمی را با واقعیت‌های خارجی، ارتباط تنگاتنگ می‌بخشد و از هر ذهن‌گرایی و معرفتی که از فلسفه حس یا فلسفه عقل یا وحی الهی بیگانه باشد، پرهیز می‌دهد.

توحید که مهم‌ترین اصل در دین اسلام است، گم‌شده درونی هر انسان با هر دین و مسلکی، جنبه‌های بسیاری دارد که کلیدی‌ترین بخش آن توحید ربوبی است؛ چرا که تنها خداوند، مالک تمام هستی بوده و تدبیر امور موجودات عالم را عهده‌دار است و به طور مستقیم، در امور هستی تصرف می‌کند. معرفت به این اصل مهم اعتقادی، گامی بلند به سوی خودسازی هر فردی است که در جستجوی قرب الهی گام برداشته است.

باید افزود اعتقاد به توحید ربوبی آثار مهمی چون توکل و آرامش روانی را در پی دارد و موجب پذیرش ولایت خداوند و اولیای الهی در جهت رسیدن به تزکیه می‌شود.

درباره توحید ربوبی و خودسازی پژوهش‌های بسیاری به طور مجزا و حول محور دو موضوع به صورت جداگانه صورت گرفته است، اما در مورد نقش اعتقاد به توحید ربوبی در خودسازی، به صورت منسجم کار نشده است.

آنچه که در این نگاره به بررسی آن پرداخته شده، مفهوم شناسی لغات مهم، توحید در ربوبیت و گستره آن و بیان آثار توحید ربوبی و کمال روحی انسان است.

۱- مفهوم‌شناسی

توحید

در زبان عربی توحید، مصدر باب تفعیل و از ریشه (وَحَدَّ) است و وحدت از آن مشتق می‌شود و به معنای انفراد است، از این رو «واحد به چیزی اطلاق می‌شود که جز ندارد»^۱ یگانه گردانیدن، یکی کردن، تنها قرار دادن یک چیز. و در لغت حکم به واحد بودن شیء است.^۲ و نیز ایمان به خداوند و شریک قرار ندادن برای او همان یگانگی و اقرار به وحدانیت خدای جلّ شأنه و یکتاپرستی را توحید گویند.^۳

ربوبیت

ربوبیت از واژه «ربّ» (ر ب ب) به معنای پروراندن، اصلاح شیء و قیام بر آن، تصرف و چیزی را مالک شدن وامری را به میل خود تغییر دادن، کاری را به عهده گرفتن، کامل کردن، سروری، سرپرستی، بزرگی و آقایی است.

همچنین به معنای تعهد، استصلاح، رعایت و کفایت آمده است. «ربّ» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، قیّم، سرور و منعم است و نیز اصلاح کننده هر چیزی را ربّ می‌گویند.^۴ به طوری که از گفتار علمای لغت استفاده می‌شود این واژه هنگامی که به طور مطلق به کار می‌رود تنها بر خداوند اطلاق می‌شود چرا که او مالک حقیقی و مدبّر و مربّی و مصلح همه چیز است و هنگامی که به غیر خدا گفته می‌شود حتماً به صورت مضاف خواهد بود؛ مانند: «ربّ الدّار» مالک خانه «ربّ الابل» مالک شتر و...^۵.

توکل

توکل آن است که به دیگری تکیه کنی، او را نائب خویش قرار دهی و به چنین شخصی وکیل می‌گویند و وکیل بر وزن معیل به معنی مفعول است، خداوند می‌فرماید: «کفی بالله وکیلاً»؛^۶ یعنی به او اکتفا کرده که امر تو را بر عهده گیرد و وکیل تو باشد.^۷

۱. حسین بن محمد بن فضل، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی حسینی، بی‌جا، مرتضوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۵۷.

۲. سید محمد مرتضی، زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۵۹.

۳. علی اکبر، دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۷۱۰۹.

۴. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۹۵.

۵. حسین بن محمد بن فضل، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۳۶.

۶. نساء (۴)؛ ۸۱.

۷. حسین بن محمد بن فضل، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۸۲.

تاج العروس نیز در بیانی نزدیک به مفردات چنین می‌نویسد: توکل چه از باب ثلاثی مجرد مانند: وَعَدَ يَعِدُ باشد و چه از باب تفعّل (توکل) و چه از باب افعال (ایکال)، به معنای تسلیم کردن کار به اوست. نزد اهل حقیقت، توکل اطمینان کردن به آنچه نزد خداوند است و ناامید شدن از آنچه نزد مردم است و به کسی که به خداوند تکیه کرده گفته می‌شود که این شخص می‌داند که خداوند عهده‌دار امور زندگی و روزی اوست، پس فقط به او اعتماد می‌کند و بر غیر او تکیه نمی‌کند.^۱

ولایت

در لسان العرب آمده است: «وَلِيٌّ» یکی از نام‌های خدای تعالی است گاه به معنای یاور و دوست و یاری کننده و گاه به معنای متصرف و حاکم و سرپرست آمده است.^۲ ولا و توالی آن است که دو یا چند چیز به گونه‌ای باشند که بین آنها چیز دیگری حائل نباشد و به طور استعاره به معنای قرب و نزدیکی به کار می‌رود. خواه این نزدیکی از حیث مکان باشد یا از حیث نسبت و خویشاوندی یا از نظر دین و اعتقاد و یا به جهت دوستی و مانند آن. ولایت به معنای نصرت و یاری کردن است و ولایت به معنی تولّی و سرپرستی و عهده‌دار شدن امر است. و گفته شده ولایت و ولایت مانند دلالت و دلالت است و حقیقتش همان سرپرستی است که کار را به عهده بگیرند. تولّی اگر بدون حروف جر متعدی شود بر معنی ولایت است اما اگر با حرف عن متعدی شود لفظاً یا تقدیراً، در این صورت به معنای اعراض و ترک نزدیکی است.^۳

آرامش و اطمینان قلبی

طمأنینه قلب، سکون و استقرار قلب است به وسیله زوال اضطراب از آن.^۴ آرامش و سکون، یکی از خواسته‌های قلبی همه انسان‌ها از هر مرام و آئینی است. راغب در کتاب مفردات خود، سکینه را چنین معنا می‌کند که سکون به معنای توقف و ایستادن هر چیزی بعد از حرکت است. برخی گفته‌اند: سکینه، ملکه‌ای است که موجب آرامش و اطمینان قلب مؤمن می‌شود. به کسی نسبت سکینه داده می‌شود که از تمایل به شهوات باز ایستد و آرام گیرد و همچنین گفته‌اند: سکینه و سکن، هر دو به یک معناست و آن از بین رفتن ترس است.^۵

۱. سید محمد مرتضی، زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، صص ۱۶۰ - ۱۵۹.

۲. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۶.

۳. حسین بن محمد بن فضل، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۸۵.

۴. ابن قیم، جوزیه، الروح، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۹۶م، ص ۳۰۶.

۵. حمید، محمدی، مفردات قرآن، قم، دارالذکر، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲- توحید در ربوبیت و گستره‌ی آن

ادله توحید

در قرآن کریم، روایات معصومان علیهم‌السلام و آثار فیلسوفان و متکلمان اسلامی، ادله‌ای برای اثبات توحید خداوند ذکر شده است. دلیل اول، دلیل سمعی است که در آیات و روایات وارد شده است.^۱ دلیل دوم، دلیلی است که متکلمین بر این امر اقامه نموده‌اند و آن را دلیل تمانع گویند.^۲ آن را از آیه شریفه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»؛ اگر در آن‌ها [زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباه می‌شد. پس منزّه است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند».^۳ پس اگر در آسمان و زمین [در عالم هستی] غیر از ذات خداوند، خدایان دیگری می‌بود آسمان و زمین تباه می‌شدند، اخذ نموده‌اند.

بدین تقریر اگر مبدأ عالم متعدد باشد، بین آنها تراحم و تمانع برقرار می‌شود، به این معنا که اراده و مشیت هر کدام مزاحم و مانع تحقق اراده‌ی دیگری خواهد شد؛ چرا که هر کدام از خدایان بر اساس کمال مخصوص به خود دست به قانون خود می‌زدند.^۴

توحید در ربوبیت

توحید ربوبی از جمله شاخه‌های توحید افعالی است؛ یعنی از جمله روابطی که بین خلق و خدا لحاظ می‌شود این است که مخلوقات نه تنها در اصل وجودشان نیاز به خدا دارند؛ بلکه همه شئون وجودی آنها وابسته به خداست.

«رب» از اسمای حسنای الهی و ربوبیت از صفات فعلی خدای سبحان است که از مقام فعل او انتزاع می‌شود و تمام اوصاف الهی را شامل نمی‌شود بلکه تنها اوصافی را شامل می‌شود که ناظر به تدبیر و تصرف او در عالم هستی باشد نه صفات ذات که تصرف و تدبیر در آنها معنا ندارد.^۵ بنابراین توحید در ربوبیت، همان اعتقاد به اینکه تدبیر حیات و هستی هر چیزی از جمله انسان به دست خداوند سبحان است و اسباب و علل طبیعی همگی سربازان و کارگزاران خداوند هستند که به امر و مشیت او عمل می‌کنند.^۶

۱. محمد بن الحسن، علامه حلی، الباب حادی عشر، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۲۳.

۲. محمد علی، حسینی شهرستانی، شرح باب حادی عشر، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۴۱، ص ۹۱.

۳. انبیاء (۲۱)؛ ۲۲.

۴. محمد علی، حسینی شهرستانی، همان.

۵. عبدالله، جوادی آملی، توحید در قرآن، تهران، اسراء، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۲۶.

۶. جعفر، سبحانی، تألیف علی ربانی گلپایگانی، محاضرات فی الالهیات، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۲۰ق، ص ۵۸.

ربوبیت تکوینی و تشریعی

بدین معناست که تدبیر، اداره جهان آفرینش تنها در دست خدا بوده و مدبر، مربی و نظام بخش هستی تنها ذات پاک اوست و در این جهت، هیچ موجودی بدون اذن و اراده او نقشی در تدبیر جهان و استقلال در تأثیر ندارد.^۱ در ربوبیت تکوینی تمام موجودات عالم شرکت دارند و آن تربیت‌های تکوینی است که هر موجودی را از حدّ نقص به کمال لایق خود در تحت تصرف ربوبیت می‌رساند.^۲ قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای مردم، پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید؛ باشد که به تقوا گرایید».^۳

ربوبیت تشریعی بدین معناست که انسان موجودی اجتماعی است و برای اداره امور خود نیاز به قانون دارد. جعل قانون جزئی از تدبیر است که^۴ حق خاص خداست و هیچ فردی نمی‌تواند بر کسی جعل قانون کند و خداست که با فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی بشر را به قوانین سعادت بخش آشنا می‌سازد. البته قانون گذاری از آن خداست ولی برنامه ریزی مربوط به خود جامعه است که در پرتو آن قوانین کلی را برای اداره کشور برنامه‌ریزی می‌کند.^۵

توحید در ولایت

ولایت در اینجا به معنای حق تصرف یا استیلا بر شخصی یا کاری است^۶ و توحید در ولایت به معنای حق تصرف در امور مخلوقات اولاً و بالذات تنها از آن خداست و توحید در ولایت همان توحید در حاکمیت است و کسی می‌تواند حکم براند و حق حکومت دارد که صاحب ولایت باشد. ولایت و سرپرستی یا تکوینی است یا تشریعی و هر کدام مراتبی دارد.

پس بعد از ولایت الهی، ولایتی پذیرفتنی است که در راستای ولایت خدا و به اذن او، جل جلاله، باشد؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».^۷

۱. جعفر، کریمی، توحید از دیدگاه آیات و روایات، بی‌جا، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۹، ص ۴۲.

۲. روح الله، خمینی، توحید از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۹۳.

۳. بقره (۲)؛ ۲۱.

۴. جعفر، کریمی، همان، ص ۴۳.

۵. محمد علی، شرقی، اصول وافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۰.

۶. علی الله، بداشتی، علم کلام، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۱۶.

۷. مائده (۵)؛ ۵۵.

در این آیه شریفه با «إِنَّمَا» ولایت اختصاص یافته است به خدای تعالی و رسول او و کسانی (که) ایمان آوردند که به گزارش مفسران امامیه به ولایت امیرالمومنین تفسیر شده است).^۱ علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «سیاق آیه نشان می‌دهد که ولایت خدا و رسول و مؤمنان مورد اشاره آیه به یک معنا اخذ شده است یعنی ولایت رسول و الذین آمنوا از سنخ ولایت خداست».^۲

۳- توحید ربوبی و کمال روحی انسان

اعتقاد به یگانگی خداوند و اسمای حسنی او و ایمان به خالقیت و ربوبیت خدای یکتا، در جوانب مختلف زندگی انسان موحد و مؤمن اثر می‌گذارد. به تعبیر دیگر، اندیشه‌ها و خلقیات و رفتارهای آدمی، تجسم و تبلور ایمان و اعتقاد اوست. برخی بر این گمان‌اند که اعتقاد به یگانگی خداوند، بدون داشتن آثار عینی آن، در تأمین سعادت بشر کافی است؛ در حالی که چنین نیست، اگرچه ایمان به خداوند به تنهایی دارای ارزش و اعتبار و اصالت و علل‌الاصول، اساس و مبنای اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی آدمی است و در تأمین سعادت و ارتقای او به مقام قرب الهی در عرف عالمان دین، شرط لازم است؛ لیکن به تنهایی، عامل تعالی انسان نیست و ثمره این اعتقاد و باور باید در زندگی فردی و اجتماعی او ظاهر گردد.^۳

از آن جایی که هریک از اعتقادات آثار اخلاقی و عملی در زندگی انسان دارد که با خودسازی و تهذیب نفس انسان ارتباط مستقیم دارد، این اعتقاد نیز چنین است و آثار آن عبارتند از:

توکل

کسی که در مقام توکل نشسته است باور دارد که خداوند همه هستی را همان گونه که آفریده است به حکمتی ربوبیت می‌کند و بر آن است که تا پروردگارش آنان را به کمال بایسته و شایسته ایشان برساند. همچنین توکل بیانگر این نکته است که شخص به ربوبیت و پروردگاری ایمان کامل داشته و هر فعلی را در جهان بر اساس هدف و حکمت آفرینش تحلیل و تبیین می‌کند. از این روست که برخی از آیات قرآن کریم اصول و عوامل توکل را ربوبیت خداوند دانسته‌اند. مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند».^۴

۱. ر. ک. فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲، ج ۳ و ۴، صص ۳۲۶ - ۳۲۴.

۲. محمد حسین، طباطبایی، المیزان، لبنان بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۳.

۳. محمد تقی، خلجی، اسرار خاموش؛ شرح صحیفه سجادیه، قم، پرتو خورشید، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۳۳۹ - ۳۳۸.

۴. انفال (۸)؛ ۲.

آثار روحی و روانی توکل

الف) توکل مایه آرامش

توکل به خداوند و سپردن امور به او باعث راحتی روان و حیات زندگی سالم است؛ چرا که اتصال منبع کمالات، اتصال به سرچشمه آرامش و تغذیه دائمی روان انسان از سعادت هایی است که نصیب فرد متوکل می شود. هنگامی که یاران موسی گفتند ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم، موسی با یک دنیا اطمینان و اعتماد رو به جمعیت وحشت زده بنی اسرائیل کرد و گفت چنین نیست، آنان هرگز بر ما مسلط نخواهند شد؛ زیرا خدا با من است و به زودی هدایت می کند.^۱

ب) توکل و غلبه بر شیطان

انسان متوکل بر شیطان و هواهای نفسانی غلبه دارد و می تواند نفس خود را آرام کند و بر شیطان پیروز شود چرا که شیطان در شخصی که متوکل بر خداست به آسانی نمی تواند رسوخ کند تا به میل خود او را وادار به گناه کند و از خدا دورش سازد. قرآن در این زمینه می فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست.^۲

ج) توکل و نیرومندی نفس

توکل بر خدا باعث قدرت روحی شخص متوکل است؛ زیرا خداوند منبع همه قدرتها و نیروهاست، اتکاء به خداوند یعنی اتصال و تکیه بر منبع و سرچشمه همه قدرتها که سرانجامش تقویت و نیروی انسان متوکل است و ظفر و پیروزی او در کاری است که در آن توکل کرده است. پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» کسی که دوست دارد قوی ترین مردم باشد باید بر خدا توکل کند.^۳

د) امیدواری و تلاش

انسان متوکل به خاطر اینکه مسبب الاسباب را خداوند متعال می داند و به امکانات و اسباب مادی و طبیعی کار خویش جز به چشم یک وسیله خدادای نمی نگرد، در برخورد با موانع و مشکلات مأیوس نشده و به راه خویش ادامه می دهد و تنها از او یاری می جوید.^۴

ه) خونسردی در مواجهه با دشمن

انسانی که بر قوی ترین نیروی جهانی تکیه زده و او را حامی خویش می داند، اگر تمام مردم هم در مقابل او بایستند، نه تنها خم به ابرو نمی آورد؛ بلکه ایمانش هم تقویت می شود.^۵

۱. ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۲۴۴.

۲. نحل (۱۶)؛ ۹۹.

۳. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۵۱.

۴. رک. محمود، اکبری، مشیت الهی در سبب سازی و سبب سوزی، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۳، ص ۵۷.

۵. همان جا.

(و) توکل و تقرب به خداوند

توکل باعث عظمت روح و تعالی نفس و اوج به مقام قرب ربوبی است تا آنجا که ممکن است شخص متوکل در زمره اولیاء خدا قرار گیرد از این رود در برخی روایات از توکل به عنوان نردبان و در بعضی دیگر به عنوان «قیمت و ارزش» برای اشیاء نفیس تعبیر می‌شود.

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «الثَّقَّةُ بِاللَّهِ ثَمَنٌ لِّكُلِّ غَالٍ وَ سَلَمٌ إِلَى كُلِّ غَالٍ؛ اعتقاد و توکل به خداوند به منزله بهای شیء نفیس و به منزله نردبان است برای کسی که می‌خواهد درجات را بپیماید».^۱

آرامش روانی

هر انسانی به طور فطری در جستجوی آسایش و آرامش است و از اضطراب و تزلزل خاطر رنج می‌برد؛ زیرا هیچ عاملی چون آرامش خاطر در ایجاد بهجت و نشاط در انسان مؤثر نیست.^۲

انسان به طور طبیعی در طول زندگی در اثر نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و ناآرامی‌های دنیای جدید، بیش از پیش به احساس امنیت و آرامش نیازمند بوده، همچنان در پی یافتن راه‌های جدید برای رسیدن به آرامش است. مکاتب روان‌درمانی، همگی اهداف اصلی خود را رهایی از اضطراب و پدیدآوردن احساس امنیت می‌دانند، از میان کوشش‌های فراوانی که برای پیش‌گیری از ابتلاء به نگرانی و افسردگی به عمل آمده، به برخی رویکردهای جدید در میان روانشناسان در مورد تأثیر دین و ایمان در سلامت روان اشاره دارند. ایمان به خدا از نگاه این گروه روانشناسان، سرچشمه‌ای بی‌کران از آرامش و قدرت معنوی را داراست که هرگونه اضطراب و نگرانی را از انسان زدوده، در برابر هر گونه فشار درونی و بیرونی به انسان مصونیت می‌بخشد.^۴

بنابر آنچه گذشت، مؤمن نه گرفتار شک و تردید قلبی است و نه گرفتار تعدی و تجاوز بدنی، البته چون مؤمن می‌داند قیامت و حساب هست و می‌داند که ناقد، بصیر است در صحت و سقم عمل خود شک دارد و چنین انسانی در بخش ریاضت اهل ترس است ولی درباره اصل حساب و قسط و عدل بودن آن هیچ گونه شک ندارد. انسان سالک ابتدا می‌کوشد با میل نفسانی خود مبارزه کند و گناه نکند و آیه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است».^۵

۱. محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۴.

۲. سید مهدی، طباطبایی، راه زندگی (برخی از مباحث اخلاقی)، قم، مؤسسه انتشارات حرم، ۱۳۸۶، ص ۸۳.

۳. ابوالفضل، بهشتی، سیمای مؤمن در قرآن و حدیث، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲، ص ۵۰.

۴. جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائن، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، ص ۱۷۸.

۵. عنکبوت (۲۹)؛ ۶۹.

پذیرش ولایت الهی

یکی دیگر از آثار و ابعاد ایمان و اعتقاد به توحید ربوبی، پذیرش ولایت الهی از جانب انسان است. زیرا بر اساس توحید ربوبی مالک و مدبر حقیقی عالم خداست. و اگر رابطه انسان با خداوند به گونه ای باشد که خدا را مالک و صاحب اختیار چیزی بداند و تدبیر خودش را به دست او بسپارد در سایه ولایت تشریعی او قرار گرفته است. بنابراین ولایت که همان اعمال حق ربوبیت خداست اگر در اموری حقیقی باشد که به انسان مربوط نمی شود، ولایت خدا تکوینی است که به ربوبیت تکوینی خدا باز می گردد و اگر در امور اعتباری باشد که به انسان و حیات انسانی مربوط می شود، در این صورت ولایت او تشریعی خواهد بود که به ربوبیت تشریعی باز می گردد.^۱

آثار ولایت پذیری در خودسازی

الف) اقرار به سیادت و سرپرستی خداوند

توجه به بزرگی و سرپرستی خداوند متعال، از مزایای خاصی برخوردار است زیرا به انسان می فهماند که در برابر عظمت و بزرگی مولایش حقیر است و باید اقرار به این عظمت و کوچکی خود بنماید تا به حقارت و ذلت خود اذعان و لوزام بزرگی او را بر خودش مترتب کند و با این اقرار می خواهد بگوید که من هیچم و چیزی از خود ندارم و از اظهار عظمت موهوم برای خویش طلب عفو کرده زیرا اساس تمام بدبختی ها و سرکشی ها این خیالات موهوم است که انسان را به خود مشغول می نماید و نیز با این اقرار زمینه استجاب خداوند را نسبت به تقاضاهای خویش فراهم می کند؛ زیرا او زمامدار و سرپرست حقیقی کمالات و ظهور آنها در بنده می باشد به گونه ای که پس از اظهار آنها از تحت تسلط حق تعالی بیرون نمی رود و در ضمن با این اقرار تقاضای دخول در ولایت مخصوص خداوند را می کند که آن نسبت به مؤمنین اظهار می شود به گونه ای که با آن از ظلمتها به طرف نور و هدایت های مخصوص بیرون می آیند!^۲

ب) رسیدن به رضوان الهی

رضوان الهی است که نخست خلفای خودش را همچون پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام را هنگامه جان دادن انسان ولایت مدار و ورد به عالم آخرت، برای خوش آمدگویی و استقبال می فرستد و ملائک مکرم از هر سو با سلام و تبریک زمینه پذیرایی را فراهم می کنند و بعد پذیرایی با خانه مجلل و باشکوه بهشتی با انواع شراب های طهور و میوه های رنگارنگ و اقسام غذاهای لذیذ با پیش خدمت های حور عینی که چشم ها را اسیر خود می کنند؛ زیرا همچون دیگر نعمت ها، حکایت از مهر و جمال و مهر الهی دارد، این ها در صورتی است که مدعی ولایتمداری، ولایت عملی، ظاهری و باطنی داشته

۱. جعفر، سیحانی، الهیات و معارف اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۲ ج ۲، ص ۶۲؛ محمد تقی، مصباح یزدی، آفتاب ولایت، قم،

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱.

۲. بقره (۲)؛ ۲۵۷.

باشد و حرف ادعا نباشد. البته این ثمرات برای طالبان ولایت حق به عنوان مقصد و مطلوب اصلی مطرح باشد؛ بلکه آنچه باید مدّ نظر قرار گیرد همان قرب و رضوان الهی است و حلاوت و شیرینی دیگر ثمرات، وابسته به تحقق آن است.^۱

ج) ولایت، سرآمد نعمت‌های خداوند

اگر انسان برخوردار از ایمان بداند که خداوند چه گوهر بی‌همتایی به او عنایت کرده، از دست دادن همه‌ی نعمت‌های دنیا او را ناراحت نمی‌کند. گاهی انسان با دلیل عقلی یا دلیل‌های مبتنی بر برخی آیات و روایات می‌پذیرد که هدایت الهی و ایمان از شمار نعمت‌های خداست اما در عمل آنها را جدی نمی‌گیرد. تنها امکانات مادی را نعمت‌های اصلی خدا می‌داند و هدایت و ایمان را در زمره‌ی امور فرعی می‌شمارد؛ در حالی که آنها از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نعمت‌های خداوندند.^۲

د) رضایت به تدبیر الهی

ربوبیت خداوند، یعنی اینکه او صاحب همه چیز ماست. مالک وجود ما، مالک حیات و مالک هر چه به ما داده است. اگر رابطه ما با خدا این چنین باشد که خدا را مالک و صاحب‌اختیار هر چیزی بدانیم و تدبیر خودمان را به دست او بسپاریم، در سایه‌ی ولایت تشریعی او قرار گرفته‌ایم؛ البته رسیدن به این مقام والا که آدمی تدبیر امورش را به خدا بسپارد؛ به تقدیر و قضای او راضی باشد، به او توکل کند و فقط از او کمک بخواهد؛ او را مدبر زندگی خود بداند، او را صاحب‌اختیار همه چیز بیابد و تشری‌ها و دستورهای او را بپذیرد و عمل کند؛ یک سلسله معارف عمیق را می‌طلبد. رسیدن به این مقام، مراتب گوناگون دارد. هر کسی بر حسب استعدادهایی که دارد، با سرعت یا کندی می‌تواند این راه را کم و بیش بییماید. به هر حال ده‌ها سال طول می‌کشد تا استعداد و قابلیت هر کسی در این مسیر به فعلیت برسد و از مصادیق اولیاءالله شود.^۳

ه) رها شدن از حزن و هراس

یک اثر ظاهری ولایت که هر کسی بر اساس آن می‌تواند هم خود را و هم دیگران را بیازماید، این است: «... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ برای اولیای خدا هیچ ترس و حزنی نیست.^۴ این خاصیت ولایت است که بر اثر آن، بنده، خودش را مالک چیزی نمی‌داند تا برسد که آن را از دست بدهد. بنابر دیدگاه ولایی، همه چیز مال خداست. حتی جان هم مال اوست. اگر از دست من رفت، برود. مال او رفته، مال من که نبوده است. این مسئله، همه شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد. اگر بین

۱. عبدالله، حق جو، ولایت در قرآن، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۹، ص ۲۶۴.

۲. محمد تقی، مصباح یزدی، سیمای سرافرازان، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲، ج ۱، صص ۲۵-۲۴.

۳. همو، آفتاب ولایت، صص ۱۰۱-۱۰۰.

۴. یونس(۱۰)؛ ص ۶۲.

خود و خدا، هم در اعتقاد و هم در عمل، رابطه عبودیت و ربوبیت برقرار کنیم، هیچ جایی برای نگرانی باقی نخواهد ماند.^۱

نتیجه

قطعاً توحید که از مهم‌ترین تعالیم اسلام است، مهم‌ترین عامل خودسازی می‌باشد. قرآن در آیات بسیاری و معصومین علیهم‌السلام در روایات فراوانی به مسأله توحید و ابعاد گوناگون آن به طور جامع و کامل پرداخته‌اند تا اهمیت موضوع را بر همگان روشن سازند.

یکی از مهم‌ترین مسائل در توحید این است که خداوند در انجام هر فعلی مستقل و یگانه است و این همان معنای توحید افعالی است. ربوبیت یکی از ابعاد توحید افعالی می‌باشد و به معنای مدیریت و تدبیر کردن در گستره تکوین و تشریع الهی بوده که تمام ابعاد زندگی فرد را در برمی‌گیرد.

در نتیجه، خودسازی، که از مسائل مهم و زیربنایی و مورد تأکید فراوان اسلام است، دارای نقش محوری در رسیدن به مراتب عالی انسانی دارد که همان تقرب به خداوند می‌باشد.

از جمله آثار توکل، مایه آرامش بودن، غلبه بر شیطان، نیرومندی نفس، امیدواری و تلاش، خونسردی در مواجهه با دشمن، جلوگیری از غرق شدن در مادیات و تقرب به خداوند می‌باشد.

همچنین توحید در ولایت به معنای حق تصرف در امور مخلوقات اولاً و بالذات تنها از آن خداست و بعد از آن، شامل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام می‌شود. ولایت گستره بسیاری دارد و تأثیرات مهمی در زندگی انسان دارد. اقرار به سیادت و سرپرستی خداوند، رسیدن به رضوان الهی، سرآمد نعمت‌های خداوند، رسیدن به آرامش، رضایت به تدبیر الهی و رها شدن از حزن و هراس از موارد ولایت‌پذیری است.

فهرست منابع و مآخذ

- ❖ قران کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
 ۲. اکبری، محمود، مشیت الهی در سبب سازی و سبب سوزی، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۳.
 ۳. بداشتی، علی الله، علم کلام، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲.
 ۴. بهشتی، ابوالفضل، سیمای مؤمن در قرآن و حدیث، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، تهران، اسراء، ۱۳۸۵، ج ۲.
 ۶. جوزیه، ابن قیم، الروح، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۹۶م.
 ۷. حسینی شهرستانی، محمد علی، شرح باب حادی عشر، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۴۱، ص ۹۱.
 ۸. حق جو، عبدالله، ولایت در قرآن، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۹.
 ۹. خلجی، محمد تقی، اسرار خاموش؛ شرح صحیفه سجادیه، قم، پرتو خورشید، ۱۳۸۳.
 ۱۰. خمینی، روح الله، توحید از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۷.
 ۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
 ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن فضل، مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی حسینی، بی‌جا، مرتضوی، ۱۳۷۴.
 ۱۳. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
 ۱۴. سبحانی، جعفر، الهیات و معارف اسلامی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۲.
 ۱۵.، تألیف علی ربانی گلپایگانی، محاضرات فی الالهیات، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
 ۱۶. شرقی، محمد علی، اصول وافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
 ۱۷. طباطبایی، سید مهدی، راه زندگی (برخی از مباحث اخلاقی)، قم، مؤسسه انتشارات حرم، ۱۳۸۶.
 ۱۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، لبنان بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۰. علامه حلی، محمد بن الحسن، الباب حادی عشر، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۲۱. کریمی، جعفر، توحید از دیدگاه آیات و روایات، بی جا، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۹.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. محمدی، حمید، مفردات قرآن، قم، دارالذکر، ۱۳۸۱.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، سیمای سرافرازان، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۲.
۲۵.، آفتاب ولایت، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۲.
۲۶. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۷. ویلیام، جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی قائن، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.